همه رفقای شاه

پرویز راجی؛ معشوقی که سفیر شد!

پرویز (کامران) راجی در سال ۱۳۱۵ هـ.ش در تهران به دنیا آمد. پدر او، دکتر عبدالحسین راجی (فراماسون) در کابینه منوچهر اقبال مدتی وزیر بهداری بود. پرویز تحصیلات متوسطه خود را در آمریکا به پایان رساند و در سال ۱۳۳۸ مدرک لیسانس اقتصاد را از دانشگاه کمبریج انگلیس دریافت کرد و در سال ۱۳۳۹ به استخدام شرکت نفت درآمد؛ او در وزارت نفت مورد توجه ویژه امیرعباس هویدا، عضو وقت هیئت مدیره شرکت نفت، قرار گرفت و تا سمت منشی مخصوص وی ارتقا یافت. راجی در سال ۱۳۴۲ به عنوان کارمند سازمان بین‌المللی به استخدام وزارت خارجه درآمد. با صعود هویدا به نخست‌وزیری، راجی هم به نخست‌وزیری رفت و به عنوان «رئیس دفتر اختصاصی نخست‌وزیر» به کار پرداخت و «باعنایت خاص» هویدا مدت کوتاهی بعد، در تاریخ ۱۳۴۵/۹/۱۶ به مدیرکلی رسید. راجی در سال ۱۳۴۸ با اشرف پهلوی آشنا شد و به سرعت مورد توجه او قرار گرفت. راجی در سال ۱۳۴۸، به درخواست اسدا... علم، وزیر دربار، به عنوان «کمک به کارهای والاحضرت اشرف در کمیته بین‌المللی حقوق وابسته به سازمان ملل در آمریکا»، به دفتر اشرف پهلوی تحویل داده شد و از شهریور ۱۳۴۹ به مدت سه ماه در معیّت اشرف در سازمان ملل حضور داشت. «خدمات» راجی [که افتضاح آن خیلی زود از مرز دربار گذشت و جنبه بین‌المللی پیدا کرد]، مورد توجه جدی اشرف قرار گرفت؛ لذا وی در بهمن ۱۳۴۹ با فرمان شاه به مقام سفیری در سازمان ملل رسید. طبق ابلاغیه اسدا... علم، وظیفه راجی در پست سفیری ایران در سازمان ملل، به دستور شاه، «انجام کلیه امور مربوط به والاحضرت اشرف پهلوی به نحوی که معظم لها ارجاع فرمایند» بوده است! راجی در سال ۱۳۵۲ با عنوان مشاور نخست‌وزیر به نخست‌وزیری بازگشت و پس از چندی با «عنایت خاص» اشرف، در خرداد ۱۳۵۵، سفیر شاه در لندن شد و تا ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ در این سمت بود. راجی در سال ۱۳۶۲ یادداشت‌های روزانه خود را با عنوان آخرین سفیر شاه در لندن، در انگلستان منتشر کرد. او به عنوان یک درباری در عالی‌ترین محافل حاکمه انگلیس رفت و آمد داشته و با معروف‌ترین چهره‌های سیاسی (مانند خانواده سلطنتی، مارگارت تاچر، ادوارد هیث)، فرهنگی (دنیس رایت، چالز کارن رئیس بی.بی.سی) و مطبوعاتی انگلیس معاشر بوده است. حسین فردوست در خاطراتش، به ویژه در بخش مربوط به معرفی اشرف پهلوی، به طور مبسوط از روابط غیراخلاقی وی با پرویز راجی پرده بر می‌دارد و رسیدن وی به مقامات عالیه، در سن کم را ناشی از همین ارتباط می‌داند. این مسئله در اسناد ساواک که با دستور اشرف پهلوی، ارتباطات پرویز راجی را تحت نظر گرفته بود نیز، منعکس شده است و به تعبیر فردوست، گزارش‌های منحصر به فرد و کامل در این زمینه محسوب می‌شود. پرویز راجی، روز سوم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۳، در لندن درگذشت.

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ عبدا... شهبازی؛ جلد دوم؛ ص ۴۶۴ تا ۴۶۵

پارادوکس کورش و مصدق!

شاه چگونه ملی‌گرایی باستانی را ترویج می‌کرد، اما به کودتا علیه یک دولت ملی نیز می‌پرداخت؟

دیدار مصدق و شاه

سخنرانی شاه در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله

شاه از یک سو به ترویج ملی‌گرایی باستانی می‌پرداخت و از سوی دیگر در ساقط کردن دولت ملی در رنگ نمی‌کرد!

گروه اندیشه– یرواند آبراهامیان، استاد کالج باروک در نیویورک و نویسنده کتاب معروف «ایران بین دو انقلاب»، طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه صدا، در بهمن ۱۳۹۳ می‌گوید: «ریشه‌های رژیم [شاه] باعث شده بود که مدرنیست بودن یا افتتاح نظام برایش دشوار باشد. مسئله فقط تنگ‌نظری شاه نبود. بخشی از واقعیت این بود که او می‌دانست هرگونه گشایش در اوضاع باعث می‌شود مشروعیتش علناً زیر سوال برود و [یکی از] دلایل این فقدان مشروعیت هم البته [کودتای] ۲۸ مرداد بود.» او در ادامه می‌افزاید: «پس از سال ۱۳۴۲ برای اولین بار بعضی روحانیون دست به مخالفت و زیر سوال بردن سلطنت زدند؛ این اتفاق که افتاد دیگر کمتر طبقه‌ای در ایران سلطنت را به عنوان نهادی مشروع می‌پذیرفت. پس او (شاه) هر چه بیشتر حرف از حق الهی سلطنت و آریامهر و امپراتوری قدیم ایران و ... می‌زد.»

■ لباسی که بر تن پهلوی‌ها گشاد بود!

تردیدی نیست که رژیم پهلوی از فقدان مشروعیت رنج می‌برد؛ این مسئله از نخستین روزهایی که رضاخان را به رضاشاه تبدیل کردند، به چشم می‌آمد. بسیاری از مورخان معتقدند که رضاشاه به ترویج باستان‌گرایی رو آورد تا برای خودش، اسباب مشروعیت بتراشد؛ صاحب فره‌ایزدی، تخمه شاهی و دیگر واژگان پرطمطراقی که برای پهلوی بسیار زیاد و سنگین به نظر می‌رسید. رضاشاه در تمام دوران سلطنت خود، کوشید با به دست آوردن زمین، به عنوان یکی از عوامل کسب مشروعیت در تاریخ ایران، این نقیصه مهم را جبران کند؛ اما مردم، به ویژه پس از سرکوب‌های نیمه دوم سلطنتش و رو در رو شدن او با مذهب رسمی کشور، اندک تردیدها را درباره عدم مشروعیت

> درست ۱۸ سال بعد از ساقط شدن دولت ملی ایران به دست محمدرضا پهلوی، او قرار بود صلای ملی‌گرایی را در پاسارگاد سر دهد و به کورش توصیه کند که راحت بخوابد! در واقع شاه خود را در پارادوکسی عجیب قرار داده بود که حتی اعضای جبهه ملی هم قادر به فهم و هضم آن نبودند

وی کنار گذاشتند و در شهریور ۱۳۲۰، عملاً اعتنایی به برکناری و فراری وی نکردند و حتی، از سقوط رژیم دیکتاتوری او، خرسند بودند. محمدرضا نیز با همین مشکل روبه‌رو بود؛ او را مردم سر کار نیاورده بودند؛ تلاش‌های فروغی، در کنار مساعدت سفارت‌های انگلیس و آمریکا، زمینه را برای بقای سلطنت پسر رضاخان فراهم کرد و او، در ۱۲ سال نخست سلطنتش، اصلاً جایگاه تثبیت شده‌ای نداشت.

■ چنگ زدن به صورت دولت ملی

در این دوران، دولت‌ها یکی پس از دیگری آمدند و رفتند، تا این که مذهبیون و ملی‌گرایان بر سر مسئله ملی شدن صنعت نفت به تفاهمی رسیدند که زمینه‌ساز یکی از بزرگ‌ترین نهضت‌های تاریخ ایران شد. مصدق، با پشتیبانی عمومی مردم به حکومت رسید و دولت او، دولتی کاملاً ملی و برخاسته از اراده ملت ارزیابی می‌شد؛ در واقع، ریشه‌های این حمایت، هر چه که بود، دولت دکتر مصدق را به دولتی ملی تبدیل کرد. محمدرضا پهلوی، بعدها در خاطراتش، از دوران دولت مصدق به عنوان بدترین دوران حکومت خود یاد می‌کند؛ برای او که می‌خواست مانند پدرش، حکومتی مبتنی بر استبداد داشته باشد، تحمل چنین دولتی سخت بود. به همین دلیل، با وجودی که مصدق عملاً اقدامی علیه او انجام نمی‌داد و محمدرضا را به عنوان یک شاهِ بدون مسئولیت حکومتی و در چارچوب قانون اساسی مشروطه به رسمیت می‌شناخت، اما پهلوی دوم احساس راحتی نمی‌کرد و با آغوش باز، طرح آمریکایی–انگلیسی کودتای ۲۸ مرداد را پذیرفت و عملاً در مقابل یک دولت ملی، دولتی که مردم آن را پدید آورده و از آن حمایت کرده بودند، ایستاد؛ این تقابل، قدرت را به محمدرضا پهلوی بازگرداند؛ او همان شاهی شد که آرزویش را داشت؛ با همان قدرت نامحدود؛ اما مسئله‌ای که گاه و بی‌گاه گریبان وی را می‌گرفت، فقدان مشروعیتی بود که به‌سان یک میراث، از پدرش به ارث برد و حالا، با توجه به اقدامش در مورد کودتای ۲۸ مرداد، عملاً امیدی به احیای آن بر مبنای اصول مشروعیت بنیادین حکومت در ایران، نداشت.

■ باستان‌گرایی؛ ترفندی که نگرفت

در همین حال، مشکل دیگری هم به سراغ شاه آمد؛ او باید ژست‌های دموکرات‌مآبانه‌اش را در محافل غربی، با آن چه در داخل کشور می‌گذشت، همسان‌سازی می‌کرد؛ دوران حکومت‌های پادشاهی در بیشتر نقاط دنیا سرآمده بود و غربی‌ها، جز به حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی، به حکومت دیگری روی خوش نشان نمی‌دادند. شاه باید این چاله عمیق را به گونه‌ای پر می‌کرد و نقشه‌ای برای رفع عدم مشروعیت خود، در داخل و خارج کشور می‌کشید؛ به ویژه آن که پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، دیگر قادر نبود با اتکای به مذهب، به عنوان رکن اساسی جامعه ایرانی، لباس مشروعیت را به هر شکل ممکن، بپوشد. درست از همین زمان بود که تبلیغ باستان‌گرایی با شدت و حدتی بسیار بیشتر از دوره پهلوی اول، آغاز شد. شاه در مصاحبه‌اش با اوریانا فالاچی، مردم ایران را نسبت به دیگر مردم عالم، تافته‌های جدابافته‌ای فرض کرد که همه آمالشان در وجود شخص او خلاصه می‌شود و مدعی شد که این موضوع، از دو هزار و ۵۰۰ سال پیش به این سو، بخشی از فرهنگ ایرانی بوده است! همزمان در جامعه نیز، این رویکرد به شکلی جدی دنبال می‌شد و حتی، در اواخر عمر رژیم در قالب تغییر تقویم هجری شمسی به شاهنشاهی، بروز و ظهور پیدا کرد؛ حالا محمدرضا سنگ کورش را به سینه می‌کوبید؛ پادشاه رؤیایی هخامنشیان! اما کورش فقط یک بهانه بود؛ همه راه‌ها به محمدرضا ختم می‌شد؛ دستگاه تبلیغاتی رژیم، او را با بنیان‌گذار شاهنشاهی هخامنشی مقایسه می‌کرد و می‌کوشید حتی اگر از دوره سلوکیان هم حرف می‌زند، ته خط را به پهلوی برساند. ملی‌گرایی باستانی به عنوان نسخه جدید کسب مشروعیت برای شاه و با پادرمیانی و همکاری فکری امثال شجاع‌الدین شفا پا گرفت؛ درست ۱۸ سال بعد از ساقط شدن دولت ملی ایران به دست محمدرضا پهلوی، او قرار بود صلای ملی‌گرایی را در پاسارگاد سر دهد و به کورش توصیه کند که راحت بخوابد! در واقع شاه خود را در پارادوکسی عجیب قرار داده بود که حتی اعضای جبهه ملی هم قادر به فهم و هضم آن نبودند. او در میانه دوستی با کورش و دشمنی با مصدق، به دنبال مفری برای کسب مشروعیت می‌گشت؛ مفری که البته نتوانست پیدا کند. محمدرضا برای به دست آوردن این اصل مهم و اساسی، خیلی چیزها کم داشت!

دیگر کتاب‌هایی که در نگارش متن مورد استفاده قرار گرفت:

گفت‌وگوهای اوریانا فالاچی؛ ترجمه: غلامرضا امامی؛ نشر افق: ۱۳۹۷

تجدد آمرانه؛ تورج اتابکی و دیگران؛ ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه؛ ققنوس: ۱۳۸۵

کودتا؛ یرواند آبراهامیان؛ ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی؛ نشر نی: ۱۳۹۳

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست؛ جلد اول؛ انتشارات اطلاعات: ۱۳۷۰

آخرین روزهای یک دیکتاتور فراری

گزارش تاریخی

روز پنجم مردادماه سال ۱۳۵۹، بالاخره مرگ به سراغ محمدرضا پهلوی آمد. این هم از عجایب روزگار بود که او، درست یک روز پس از سالروز مرگ پدرش، رضاشاه، بمیرد. شاید این اتفاق، بیش از پیش، حکایت شباهت سرنوشت دیکتاتورها را به یاد بیاورد. شاه روزهای آخر عمرش را در مصر گذراند؛ اما پیش از آن، دورانی سخت و تحقیرآمیز از در به دری و فرار را تجربه کرد. نخستین مقصد او پس از فرار از ایران، آسوان در مصر بود. سادات به استقبالش آمد و شاه در حالی که گریه می‌کرد، به او گفت که احساس یک فرمانده گریخته از میدان جنگ را دارد! آن روزها، هنوز رژیم پهلوی سرنگون نشده بود؛ به همین دلیل، شاه می‌توانست با دردسر کمتری از این کشور به آن کشور برود؛ اما با سقوط رژیم، همه چیز تغییر کرد. او پس از مصر، ابتدا به مراکش رفت؛ اما دیگر در آن جا از تشریفات رسمی خبری نبود. طی ۶۷ روز حضور شاه در مراکش، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و دولت مراکش اعلام کرد که می‌خواهد با حکومت جدید ایران ارتباط برقرار کند و به همین دلیل، دیگر نمی‌تواند میزبان شاه باشد. البته، محمدرضا پهلوی و اطرافیانش، این موضوع را از طریق مطبوعات فهمیدند. شاه در فروردین ۱۳۵۸، راهی جزایر خوش آب و هوای باهاما شد؛ جایی که موضوع ابتلایش به سرطان بدخیم غدد لنفاوی را به او فهماندند. حال جسمانی شاه، روز به روز وخیم‌تر شد؛ اما ترس از جوانان انقلابی و دانشجویان مبارز، یک لحظه او را رها نمی‌کرد. ۲۰ خرداد ماه سال ۱۳۵۸، شاه از باهاما به مکزیک رفت، اما وخامت حالش، باعث شد از دولت آمریکا بخواهد که ترتیب سفر وی به این کشور را بدهند. آمریکایی‌ها مردد بودند، اما سرانجام با پادرمیانی افرادی مانند هنری کیسینجر و راکفلر که با شاه ارتباطات گسترده اقتصادی داشتند، او را پذیرفتند. شاه، با نامی مستعار، در یکی از بیمارستان‌های نیویورک بستری شد. همان‌جا بود که دولت مکزیک از پذیرفتن دوباره او عذر خواست. شاه که کاملاً مستأصل شده بود، پیشنهاد آمریکایی‌ها را برای رفتن به پاناما پذیرفت و در آذرماه ۱۳۵۸، به این کشور رفت و ۱۰۰ روز در آن جا ماند. اما دولت پاناما نیز حاضر به ادامه حضور شاه در کشورش نشد. او به پیشنهاد سادات، راه کشور مصر را در پیش گرفت تا در بیمارستان «معادی» قاهره، جراحی شود؛ اما در ناامیدی و تنهایی، پذیرای مرگ شد. شاه تاوان چه چیزی را پس می‌داد؟ چرا فرجامی چنین مصیبت‌بار دامان او را گرفت؟ چرا مانند پدرش، در تنهایی و تحقیر، مُرد؟ واقعیت این است که چنین عاقبتی، فرجام تمام دیکتاتورهای تاریخ است.

چند خط تاریخ

روایت آبراهامیان از تغییراتی که تحول نبود

صعود معکوس پهلوی‌ها!

«یرواند آبراهامیان» در کتاب «ایران بین دو انقلاب» می‌نویسد: «در چهارده سال پس از انقلاب سفید، پیشرفت‌های چشمگیری در بخش‌های بهداشت و آموزش به دست آمد: شمار پزشکان سه برابر شد، میزان مرگ و میر نوزادان از ۲۰ درصد به کمتر از ۱۲ درصد رسید، میزان باسوادی از ۲۶ به ۴۲ درصد رسید، شمار دانشگاه‌ها ۵ برابر و شمار دانش‌آموزان متوسطه ۳ برابر شد. اما، همچنان که اغلب منتقدان نیز اشاره می‌کردند، چهارده سال پس از انقلاب سفید، هنوز در ایران نسبت پزشک به بیمار بسیار اندک، میزان مرگ و میر کودکان بالا و نسبت تخت‌های بیمارستانی به جمعیت، بسیار پایین بود. ۶۸ درصد از بزرگسالان بی‌سواد بودند، شمار بی‌سوادان در واقع از ۱۳ به حدود ۱۵ میلیون نفر افزایش یافت. کمتر از ۴۰ درصد کودکان کشور دوره دبستان را به پایان می‌رساندند. نسبت معلم به شاگرد در مدارس دولتی رو به کاهش بود....» (صفحه ۵۴۹) وی در ادامه به بررسی شرایط عمومی کشاورزان ایرانی می‌پردازد و ضمن برشمردن برخی پیشرفت‌ها، تأکید می‌کند: «تعاونی‌های زراعی به شکل نامناسبی تأمین مالی می‌شدند. کشاورزی تجاری و کشت و صنعت، بیشتر از کشاورزان خرده‌پا اعتبار می‌گرفت. ۹۶ درصد روستاییان هنوز برق نداشتند و در ازای هر دو خانواده‌ای که صاحب زمین شدند، یک خانواده بی‌زمین ماند و در برابر هر خانواده‌ای که از زمین کافی (۷ هکتار) برخوردار شد، مقدار زمین داده شده به سه خانوار دیگر برای تبدیل آن‌ها به کشاورزی تجاری مستقل، کافی نبود.» (صفحه ۵۵۰) «آبراهامیان» با استناد به آمار و ارقام منتشر شده از سوی بانک مرکزی ایران و دیگر بانک‌ها در دوره پهلوی، می‌کوشد تا تصویر شفاف‌تری از شرایط اقتصادی مردم ارائه کند: «آشکار بود که در دوره میان ۵۶-۱۳۴۲، با ورود جمعیت بیشتر و پیوستن استان‌های دوردست به حوزه اقتصاد، میزان تولید ناخالص ملی بسیار افزایش یافت، اما از این رشد، همه مردم بهره یکسان نبردند ... بررسی‌های سال ۱۳۵۲ نشان می‌دهد که ۵۵/۵ از کل هزینه‌ها به ۲۰ درصد ثروتمندترین‌ها، ۳/۷ درصد از کل هزینه‌ها به ۲۰ درصد از فقیرترین‌ها و ۲۶ درصد از کل هزینه‌ها به ۴۰ درصد از جمعیت متوسط کشور تعلق داشت.» (صفحه ۵۵۱ و ۵۵۲) وی بر تمرکز مراکز دانشگاهی و رفاهی در تهران دوره پهلوی تأکید می‌کند و می‌افزاید: «در استان تهران برای هر ۹۷۴ نفر، یک پزشک، برای هر ۵۶۲۶ نفر یک دندان‌پزشک و برای هر ۱۸۲۰ نفر یک پرستار وجود داشت. در حالی که در آذربایجان شرقی برای هر ۵۵۸۹ نفر یک پزشک، برای هر ۶۶۱۵۶ نفر یک دندان‌پزشک و برای هر ۱۲۷۱۲ نفر یک پرستار وجود داشت ... هنگامی که پایه‌های حکومت پهلوی لرزید، این نارضایتی‌ها چون سیل خروشانی از همه نقاط جامعه سربرآورد.» (صفحه ۵۵۳)

منبع: آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)؛ ایران بین دو انقلاب؛ ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی؛ تهران؛ نشر نی

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

۹۸۱۳۵۱۶۷/ش
خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تعدیر و تشکر
پذیرش تلفنی:
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی:
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان

P.M.O

آگهی تجدید مزایده عمومی یک مرحله ای (همراه با ارزیابی کیفی)

مزایده گزار: اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان
موضوع تجدید مزایده: واگذاری حق بهره برداری از پایانه قطعات A۳۱ و A۳۲ شامل محوطه بندری آسفالت به مساحت ۳۰۶۹۲ متر مربع، دو باب سوله به مساحت ۴۸۸۰ مترمربع و ساختمان اداری و خدماتی به مساحت ۱۲۶۵ متر مربع به منظور ارائه خدمات کالا و کانتینر صادراتی و ترانزیت خروجی از مسیر دریا به مدت پنج سال، به شرح اسناد مزایده
شرایط اختصاصی:
۱- دارا بودن مجوز تخلیه و بارگیری از سازمان بنادر و دریانوردی
۲- دارا بودن سوابق کاری و مشابه در پنج سال اخیر
۳- توان مالی، فنی و تجهیزاتی
۴- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده سال ۹۷
۵- ارائه تاییدیه عدم بدهی از اداره کل امور مالی سازمان بنادر و دریانوردی
مهلت و نحوه دریافت اسناد:
متقاضیان شرکت در مزایده می توانند از تاریخ ۹۸/۱۱/۱۵ تا پایان وقت اداری مورخ ۹۸/۱۱/۲۰ با مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به دریافت (خرید) رایگان اسناد اقدام نمایند.
* ضمنا دریافت آگهی از سایتهای iets.mporg.ir–www.shahidrajaceport.pmo.ir نیز بصورت غیر حضوری و بدون پرداخت وجه نقد به کارفرما امکان پذیر است.
مهلت و محل تسلیم پاکات و بارگذاری اسناد:
متقاضیان باید پیشنهادات خود را تا ساعت ۱۵:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۹۸/۱۲/۴ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.
تبصره ۱: متقاضیان مکلفند تا همین تاریخ علاوه بر بارگذاری اسناد خود در سایت مذکور نسبت به تحویل فیزیکی صرفا پاکت الف (ضمانتنامه بانکی) به دبیرخانه مرکزی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان–مجتمع بندری شهید رجایی–ساختمان مرکزی–طبقه همکف تسلیم نمایند.
تبصره ۲: کلیه ی مراحل برگزاری از دریافت اسناد مزایده تا ارائه ی پیشنهاد مزایده گران و گشایش پوشه ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند بدیهی است در صورت عدم انجام فرایند در سامانه ی مذکور پیشنهادات ارائه شده به صورت فیزیکی مورد قبول واقع نمیگردد.
تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (تضمین شرکت در مزایده): جهت شرکت در مزایده به مبلغ ۳/۶۳۴/۸۳۳/۹۳۸ ریال با واریز وجه نقد به حساب شماره ۲۱۹۶۴۵۵۴۰۷۰۰۸ نزد بانک صادرات به نام سپرده اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان یا به صورت ضمانت نامه بانکی معتبر
تبصره: ضمانت نامه مذکور می بایست از تاریخ صدور به مدت حداقل ۳ ماه دارای اعتبار باشد. همچنین برای یک دوره سه ماهه دیگر نیز قابل تمدید باشد.
زمان و محل بازگشایی پیشنهادات:
تاریخ ۹۸/۱۲/۶ روز سه شنبه ساعت ۹:۰۰ مجتمع بندری شهید رجایی- ساختمان مرکزی اداره کل- طبقه سوم- دفتر مدیرکل.
تبصره: کلیه اسناد مزایده و اسناد ارزیابی کیفی باید مطابق شرایط مذکور توسط مزایده گران بصورت الکترونیکی در سامانه ستاد ایران بارگذاری گردد.
حضور مزایده گران یا نمایندگان تام الاختیار آنها با معرفی نامه رسمی در جلسه بازگشایی پاکت قیمت بلامانع است.
- برای کسب اطلاع بیشتر در خصوص اسناد مزایده با تلفن های ۳۲۱۲۳۵۹۶- ۳۲۱۲۳۳۷۶- ۳۲۱۲۳۲۲۵- ۰۷۶ و جهت دریافت و بارگذاری اسناد مزایده با شماره تلفن ۳۲۱۲۳۲۲۶- ۰۷۶ تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان
شناسه آگهی ۷۵۸۶۱۱
۵۱۰

آگهی مزایده

سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری نیشابور در نظر دارد سالن ورزشی ذیل را با شرایط موجود از طریق برگزاری مزایده برای مدت دو سال و به صورت اجاره ماهانه واگذار کند، به این وسیله از تمامی واجدان صلاحیت دعوت به عمل می آید برای دریافت اسناد مزایده و اطلاعات تکمیلی به نشانی: نیشابور- طبقه فوقانی فرهنگسرای سیمرغ- سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری نیشابور- امور حقوقی و قراردادها (تلفن ۴۳۳۵۳۵۵۳-۰۵۱ داخلی ۱۸) و یا سایت شهرداری www.neyshabur.ir مراجعه کنند.
-مهلت دریافت اسناد و برگه پیشنهاد قیمت مزایده و سایر شرایط از تاریخ درج آگهی تا ۹۸/۱۱/۲۶.
-آخرین مهلت تحویل پیشنهاد قیمت به دبیرخانه سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری نیشابور واقع در نیشابور –طبقه فوقانی فرهنگسرای سیمرغ–دبیرخانه سازمان پایان وقت اداری مورخ ۹۸/۱۱/۳۰.
-تاریخ بازگشایی پاکت ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۸/۱۲/۰۱.
-هزینه آگهی مزایده به عهده برنده مزایده است.

ردیف	موضوع مزایده	مبلغ پایه مزایده ماهانه در سال اول
۱	سالن ورزشی فرهنگسرای سیمرغ	۲۱/۰۰۰/۰۰۰

حمید بهنامی نژاد- سرپرست سازمان
۹۸۱۳۸۲۵۴/ش